

## دیدار سادلایوف عکاسی پارسی زبان از سرزمین تاجیکستان

### گفتگوی اختصاصی مجله انسل با یک هنرمند-عکاس



دیدار سادلایوف را بیش از آنکه بخواهیم عکاس خبری بنامیم باید به عنوان عکاسی مردم نگار و معرف فرهنگ و طبیعت تاجیکستان قلمداد کنیم. او در سال ۸۱ میلادی در روستایی در حومه شهر "پنجه کند" به دنیا آمد؛ شهری در غرب کشور تاجیکستان و در نزدیکی سمرقند در آن سوی مرز که یادآور نام شاعر پرآوازه ایرانی، پدر شعر پارسی رودکی است. دیدار سادلایوف، ابتدا به پایتخت مهاجرت می کند تا در شهر دوشنبه در رشته فیزیک تحصیل کند، مدتی هم در همین رشته مشغول به کار می شود ولی خیلی سریع پی می برد که آنچه واقعا به آن علاقه مند است، هنر عکاسی است؛ رشته ای که همواره در خانواده آنها محبوبیت داشته. او بر آن می شود که به تحصیل در این رشته بپردازد، پس به مسکو می رود و در دانشگاه هنر، طراحی و فن آوری مسکو در رشته عکاسی خبری تحصیل می کند. دیدار سرانجام در سال ۲۰۱۶ به کشور خود باز می گردد و در رسانه های داخلی تاجیکستان به عنوان عکاس-خبرنگار کار می کند. در این دوره عکس های او در مسابقات گوناگون منطقه ای و جهانی می درخشند و در سال ۲۰۲۱ عکس های برگزیده او در میان مجموعه عکس تقویم سالانه یونسکو منتشر می شوند.

با او گفتگویی داشته ایم که در ادامه می خوانید:



پسری سوار بر اسب در پیش زمینه چهل دختران، عکسی از دیدار سادلایوف که در تقویم سالانه یونسکو منتشر شده است.

### کمی برایمان از زادگاهتان بگویید.

من در روستایی به نام حصار که نزدیک ترین آبادی به شهر پنجه کند هست، متولد شدم. جمعیت بسیار کمی آنجا ساکن هستند که با شغل های دهقانی و تجارت امورات خود را می گذارند. با این وجود، من بهترین سالهای عمر خودم را در همانجا سپری کرده ام. شهر پنجه کند، بیش از پنج هزار نفر جمعیت دارد و هشت روستا از توابع آن هستند که اقوام ترک، ازبک و تاجیک در آنها ساکن هستند. من دوران کودکی خوش و پرخطر ای در این ناحیه داشته ام. آن زمان، کشت تنباکو متداول بود و از میان این مزارع عبور می کردیم و به دشت و صحرا و جنگل می رفتیم. یادم هست که در قسمتی از جنگل کرتاشکه (سیب زمینی) می کاشتیم و این کار بخشی از فعالیت های کشاورزی ما بود. با گذشت سالها و با بهبود وضع مالی مردم منطقه، به مرور تجارت، جایگزین دهقانی و کار روی مزارع شد و عده ای از مردم محل به نقاط دیگر مهاجرت کردند. در آن دوران بازی هایی بین کودکان منطقه متداول بود مانند چلیک زنک، تخته زنک، روشو روشک که دیگر وجود ندارند و من به عنوان یک عکاس بسیار آرزو دارم که می توانستم کودکان را در حال انجام این بازی ها، عکاسی کنم ولی متأسفانه نسل های جدید اصلا این بازی ها را به یاد نمی آورند و اینکه من هم بخواهم آن را بازسازی و صحنه سازی کنم، کار دشواری است. امیدوارم روزی بالاخره چه با عکس چه با نقاشی، این بازی ها را در قالب تصویر ثبت کنم. به هر حال خاطرات خوش من از دوران کودکی در پنجه کند بسیار زیاد هستند، از جمله دوستانی که آنجا دارم و هر از گاهی دور هم جمع می شویم، ولی نه مثل سابق که وقت بسیار زیادی را با هم می گذراندیم و امروزه به دیداری دو یا سه ساعته اکتفا می کنیم. مهر و محبت و جنس رابطه ها، در زمان های قدیم بسیار متفاوت تر از امروز بود که شاید ناشی از تغییر زمانه است.



برای علاقه مندان عکاسی بگویند که چه موضوعات جذابی برای عکاسی در تاجیکستان وجود دارد که می تواند آنها را ترغیب به سفر و عکاسی در آنجا کند؟

تاجیکستان جاهای بسیار زیادی برای عکاسی دارد. مناظر و جاده هایی در دل طبیعت دارد که برای عکاسی جالب هستند. اگر به آثار عکاسی من نگاه کنید، جاده ها، منظره ها، طبیعت و مردم تاجیکستان را در آنها پیدا می کنید. برای مثال دهی به نام وورا هست که بافت خانه ها در آنجا بسیار ویژه است. یا مناطق ارتوج، کولی کلان، هفت کول و بسیار جاهای دیگر که مناظر بسیار بکر و زیبایی برای عکاس دارند. اغلب دوستان خارجی که به تاجیکستان می آیند، وقتی عکس های من را می بینند، بسیار ترغیب می شوند تا این مناطق را از نزدیک ببینند و عکاسی کنند. ولی چیزی که هر ساله عکاسان را به تاجیکستان می کشاند، مراسم بزکشی است، البته زندگی مردم در شهرها و روستا هم اغلب سوژه عکاسان خارجی است. بافت کشور تاجیکستان بگونه ای است که زندگی مردم در شمال، جنوب و شرق و غرب کشور با هم بسیار متفاوت است و هر کدام آداب و رسوم محلی خودشان را دارند و از همین جهت، عکاسان با سفر به هر گوشه تاجیکستان با سوژه های متفاوتی روبرو می شوند. در کل تاجیکستان بسیار جاهای بکری برای عکاسی دارد، قلعه حصار، دره حصار، دره الماسی، ورزاب از آن جمله هستند و یا منطقه عینی که خانه های تاریخی آن ثبت یونسکو شده است. مناطق سغد و پامیر بسیار جاهای دیدنی و جالب برای عکاس دارند. در پامیر سبک زندگی مردم بسیار متفاوت از آنچه است که در دیگر مناطق کشور وجود دارد و همین، جذابیت ویژه ای برای عکاسان دارد.

## چطور با هنر عکاسی آشنا و به آن علاقه مند شدید؟

پدرم که روحشان شاد باشد، به عکاسی علاقه بسیار زیادی داشت و اغلب در بین خانواده عکاسی می کرد. برای همین الان در آلبوم خانوادگی عکس هایی از مادر بزرگ و پدر بزرگ و عمه و عمو و خاله و همه اقوام را می توانیم ببینیم و خاطراتشان را زنده نگه داریم. شاید همین مساله سبب شد که عکاسی در خانواده ما، رشته ای مورد علاقه باشد. زمانی که من در شهر دوشنبه دانشجو بودم، برادر بزرگترم شغل عکاسی را پیشه کرده بود و منبع درآمدش همین کار بود. او این حرفه را به من هم آموخت و من هم در کنار درس، مشغول عکاسی و کسب درآمد شدم و عکاسخانه ای هم دایر کردم. همان سالها بود که روزی یک عکاس حرفه ای در شهر دوشنبه کارگاه یک روزه عکاسی برگزار کرد که من هم در آن شرکت کردم. هزینه آن کارگاه صد سامانی بود که معادل ده دلار می شد. آن دوره آموزشی سبب شد که علاقه ام به هنر عکاسی بیشتر شود و هم اینکه فهمیدم که باید این رشته را از راه درستش و بصورت آکادمیک بیاموزم. هفته بعدش خودم را به شهر مسکو رساندم و در رشته عکاسی خبری در دانشگاه این شهر ثبت نام کردم و در نهایت با دیپلم سرخ، این دوره را به اتمام رساندم و به تاجیکستان برگشتم تا آموخته هایم را در وطن خودم بکار گیرم.



عکاسی در تاجیکستان چه تاریخ و سابقه ای دارد؟ از چه زمانی عکاسان برجسته از دل جامعه تاجیکستان پدید آمدند؟

عکاسی از اواخر قرن نوزدهم توسط روسها به تاجیکستان آورده شد و برای سالهای مدید، این حرفه و فن در تاجیکستان در دست روسها بود و رسانه هایی هم که وجود داشت توسط آنها گردانده می شد. هنوز هم یکی از آنها به نام توشینکا در همینجا حضور دارد و با وجودی که ۸۵ سال سن دارد ولی کماکان بسیار خوب عکاسی می کند. اگر بخواهم به عکاسان برجسته تاجیکستانی اشاره کنم باید از زنده یاد محی الدین عالم پور نام ببرم که در خلال جنگ داخلی تاجیکستان کشته شد. از او خاطرات، آموزه ها و آثار زیادی به جا مانده است. او و تعدادی دیگر، برای رسانه هایی چون بی بی سی، به عنوان خبرنگار و عکاس خبری کار می کردند. ولی در کل، از آنجایی که تاجیکستان برای سالها بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بود، تاریخ عکاسی مشترکی با روسیه دارد و روسها تاثیر زیادی در عکاسی تاجیکستان داشته اند.



عکاسان در تاجیکستان بیشتر چه ژانرهایی را دنبال کرده اند؟ آیا آثار بیشتر فوتوژورنالیستی هستند یا ژانرهای دیگری چون عکاسی خیابانی، طبیعت، مردم شناسی و غیره نیز مورد توجه بوده است؟

اغلب عکاسان در تاجیکستان به عنوان عکاس خبری مشغول به کار هستند و البته برخی هم عکاسی طبیعت می کنند. من خودم به شخصه به ژانر مستند و مردم شناسی علاقه داشته و در این زمینه فعالیت می کنم. آثاری که از طبیعت و مردم تاجیکستان گرفته می شود، در قالب کتاب و مجله درباره سرزمین تاجیکستان منتشر می شوند.

آیا عکاسی در تاجیکستان پیش از استقلال و در دوره جماهیر شوروی متفاوت از عکاسی پس از آن بوده است؟ چندان از وضعیت عکاسی در آن دوره قدیم اطلاعی ندارم ولی در جمهوری استقلال یافته تاجیکستان، عکاسان با محدودیتی روبرو نیستند و در ژانرهای مختلفی مشغول کار هستند. هر چند که عکاسی خبری و عکاسی طبیعت با استقبال بیشتری از طرف مخاطبان روبرو می شود.

شما بعد از اتمام دوره دانشگاهی در رشته فیزیک در دانشگاه ملی تاجیکستان، به شهر مسکو رفتید تا در رشته عکاسی خبری مشغول به تحصیل شوید، چه چیزی باعث شد چنین تصمیمی بگیرید و بخاطر آموختن عکاسی به مسکو بروید؟ همانطور که قبلا گفتم، در دوران تحصیل در تاجیکستان، عکاسی هم می کردم و از این راه درآمد هم بدست می آوردم. بعد از فارغ التحصیلی در رشته فیزیک، خواستم تا در همان شاخه مشغول به کار شوم، برای مدت ۳ یا ۴ ماهی هم در یک شرکت کار کردم ولی خیلی زود متوجه شدم که این رشته ای نیست که بتوانم به آن علاقه مند باشم و تصمیم گرفتم همان عکاسی را به عنوان پیشه و کار دنبال کنم. همان دوره بود که در یک گارگاه عکاسی شرکت کردم و پس از آن تصمیم گرفتم بصورت آکادمیک در این رشته تحصیل کنم. در اصل هدفم این بود که در هنر عکاسی توانمند شوم و بتوانم نقشی در رشد و توسعه آن در کشورم داشته باشم. اکنون هم خوشحالم که تا حدی به اهدافم در این زمینه رسیده ام و برای مثال، عکس های من در جشنواره ها و مسابقات برزگی در خارج از کشور به عنوان عکس برتر برنده شده اند و سبب افتخار برای کشورم شده اند.



بعد از تحصیل چه فعالیت و تجاربی در حوزه کار عکاسی در داخل شهر مسکو و روسیه داشتید؟

هم زمان با تحصیل عکاسی در شهر مسکو، به عنوان تجربی آموزی، از فرستادگان و نمایندگان تاجیکستان در روسیه و مراسمات رسمی هم عکاسی می کردم که یک روز فردی به سراغم آمد و گفت که به عکس هایی که گرفته ای نیاز داریم و حاضرم آنها را از تو بخرم. من در پاسخش گفتم که من در حال تجربه آموزی هستم و می توانم عکس هایم را به رایگان برای انتشار در اختیار شما بگذارم. بعدها همان شخص با من تماس گرفت و از من پرسید آیا مایلی از رییس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین عکاسی کنی؟ من پیشنهادش را پذیرفتم و این کار می توانست تجربه بسیار خوبی برای من باشد. به هر حال از طریق همان شخص، به عنوان نماینده خبری و عکاس یک رسانه روسی برای مدتی مشغول بکار شدم. از خاطرات دیگرم در روسیه آن است که در کنار استاد گرانقدرم تجربه آموزی می کردم و روزی که به اتفاق برای عکاسی از مراسمی رفته بودیم، من از دو کهنه سرباز مو سفید که یکی ازبکستانی بود و یکی روس و بعد از سالها همدیگر را پیدا کرده و با هم دیدار کرده بودند، عکاسی کردم و من آن روز با استادم بر سر آنکه کدامیک از ما عکس بهتری گرفته ایم، مزاح کردم.

شما پس از آن و از سال ۲۰۱۴ با موسسه های خبری و هنری بسیاری و حتی سازمان صلیب سرخ در حوزه عکاسی همکاری داشته اید، از فعالیت های خود در این مقطع برایمان بگویید.

سال ۲۰۱۴ توسط دوستی که هموطنم و اهل تاجیکستان بود، برای عکاسی به سازمان صلیب سرخ معرفی شدم و در سه نوبت از آنها پروژه کاری گرفتم و عکس های من در شهر ژنو به نمایش درآمد و نیز در قالب کتاب منتشر شد.

موضوع این پروژه ها چه بود؟

سوژه های من برای پروژه های صلیب سرخ، مهاجران بودند. من در آن مقطع خودم یک مهاجر محسوب می شدم و از همین رو با احساساتی که مهاجران با آن دست به گریبان هستند، به خوبی آشنا بودم که این موضوع در کار عکاسی من موثر بود.



شما پس از بازگشت از روسیه، برای مدتی به عنوان عکاسی خبری در هفته نامه تاجیکستان فعالیت نمودید، فکر می کنید در این مقطع، شما چه چیزی را توانسته بودید برای جامعه عکاسی تاجیکستان به ارمغان ببرید؟ آیا فکر می کنید در این زمان توانستید سهمی در ارتقاء و توسعه هنر عکاسی در کشور خودتان داشته باشید؟

سال ۲۰۱۶ بود که پس از اتمام تحصیل از روسیه به تاجیکستان بازگشتم و بلافاصله در رسانه اطلاعات خاور به عنوان عکاس مشغول به کار شدم. بعدش هم مدتی در روزنامه تاجیکستان، عکاس خبری بودم. در همان سالها، در یک مسابقه عکاسی در آسیای میانه موفق به کسب مقام دوم شدم و بعدش هم در مسابقات دیگری هم موفق به کسب مقام شدم و همه اینها بخاطر این بود که من عکاسی را بصورت اصولی در دوره تحصیلم آموخته بودم و اکنون با دستاوردهای آن روبرو می شدم.

در عکس های شما نوعی عشق و علاقه به سرزمین و مردم تاجیکستان هم دیده و هم حس می شود. آیا هیچ وقت به فکر کار برای رسانه های معتبر جهانی در بیرون از کشور خودتان هم بوده اید؟

وقتی کسی وطن خود را دوست دارد، باید این مهر و محبت به زادگاهش را بگونه ای نشان بدهد. من این کار را برای مردم کشورم با عکس هایم می کنم. نشان می دهم که چه کشور زیبایی داریم، مردمش چطور زندگی می کنند. من بسیار خوشحالم که زاده تاجیکستان هستم و به آن عشق می ورزم. این عشق به وطن، زمانی که در مهاجرت به سر می بردم، صد چندان شده بود و من می خواهم این سرزمین را و زیبایی ها و خوبی هایش را به دیگر مردم جهان با عکس هایم نشان دهم. پیشنهادهای زیادی از رسانه های خارجی برای کار داشته ام که همگی آنها را رد کرده ام. البته برای مدتی در "اپه" کار کردم و اکنون هم فقط برای خبرگزاری رویترز در داخل خاک تاجیکستان به عنوان عکاس کار می کنم.

### روند پیش رو و آینده عکاسی را در تاجیکستان چطور می بینید؟

از همان سالهایی که در روسیه مشغول آموختن عکاسی بودم مدام به عکاسان جوان تاجیکستانی توصیه می کردم که این هنر را اصولی بیاموزید تا آینده خوبی در انتظارتان باشد چرا که اگر عکسی خوب و اصولی گرفته نشود، باقی نمی ماند و از میان می رود. اکنون عکاسان بسیاری خوبی در تاجیکستان ظهور کرده اند که دوستان من هستند و در مسابقات جهانی عکاسی، آثارشان رتبه های خوبی کسب می کنند و از این موضوع بسیار خرسندم. جالب است برایتان بگویم که فرزند خودم هم از سن کم عکاسی کرده و اکنون یک عکاس به حساب می آید. یکی از عکس هایش در یونسکو و در کشور فرانسه منتشر شده است و در مراسمی ویژه، به عنوان یک عکاس جوان از او تقدیر شده است. به هر حال من آینده هنر عکاسی در تاجیکستان را بسیار درخشان می بینم و از این بابت خدا را شکر می کنم.

### در آخر، کلامی هم برای جامعه عکاسان پارسی زبان و مخاطبان ماهنامه انسل بگویید.

آرزو دارم که ما عکاسان پارسی زبان بتوانیم مجموعه ای تشکیل دهیم و در ارتباط و در رفت و آمد باشیم. چه خوب است که با هم تورهای عکاسی مشترک در کشورهای مختلف پارسی زبان تشکیل بدهیم. و نیز انجمن و همکاری هنرمندان پارسی زبان با هم، بسیار ایده خوبی است. دیدار از یکدیگر سبب ایجاد مهر و محبت و تقویت دوستی بیشتر میان ما خواهد شد.



@sadulloev.didor

